

Synthesis of white-collar crime factors in Iran and Norway with a look at international documents

Received: 2024/8/29

Accepted: 2024/11/18

Maryam Kamali: PhD student in Criminal Law and Criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)

E-mail: maryamkamaei2019@gmail.com

Salameh Abolhasani: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

E-mail: salameh_abolhasani@yahoo.com

Zahra Ansarifar: PhD student, Law Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

E-mail: zahraansarifar@yahoo.com

Dariush Kalantari: Bachelor's student, Department of law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
E-mail: dkalantar94@gmail.com

Abstract

Purpose: According to Sutherland's definition, white-collar crime is a crime that is committed by "respected and high-ranking" people. Studies clearly show that women are under-represented in official statistics related to certain types of organizational white-collar crime. Despite this, what exactly causes such a pattern is worthy of reflection and interpretation. This article aims to analyze the role of gender in committing white collar crimes in Iran and Norway.

Method: The research method used in this article is a mixed (combined) exploratory research method with meta-composite and Delphi approaches. Library method was used to collect data. The study population of the research includes all the articles related to the research topic. In order to carry out the research, after designing the research questions, a systematic search was conducted based on relevant keywords from the Google scholar, Scopus, SID, IRANDOC, etc. databases between 1390 and early 1402.

Findings: The findings show that the number of initially extracted codes were 538 codes, which were converted into 241 codes in the next stage and 38 sub-codes in the secondary (central) coding stage, which were converted into 6 codes in the selective coding stage. became the main

Conclusion: The results of this research indicate that 6 main categories or themes were extracted for white collar crimes, which are: 1. individual dimension with twelve components; 2. social dimension with four components; 3. economic dimension with two components; 4. organizational dimension with eight components; 5. Political dimension with three components and 6. Laws and regulations dimension with three components

Keywords: White collar crime, gender, hybridity, Delphi



فرا ترکیب عوامل ارتکاب جرایم یقه سفیدی در ایران و نروژ با نگاهی به اسناد بین المللی

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۸/۲۸

تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۶/۸

چکیده

هدف

: بنا بر تعریف ساترلند، جرم یقه سفیدی جرمی است که توسط افراد "مورد احترام و دارای مقام و موقعیت اجتماعی" ارتکاب می یابد. مطالعات انجام شده به وضوح نشان می دهند، زنان در آمارهای رسمی مربوط به انواع خاصی از بزهکاری یقه سفیدی سازمانی کمتر معرفی شده اند. با وجود این، آن چه دقیقاً موجب ایجاد چنین الگویی میشود، جای تأمل و تفسیر دارد. این مقاله با هدف تحلیل نقش جنسیت در ارتکاب جرایم یقه سفیدی در ایران و نروژ صورت گرفته است. روش: روش پژوهش مورد استفاده در این مقاله روش پژوهش آمیخته (ترکیبی) اکتشافی با رویکردهای فراترکیب و دلفی می باشد. برای گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای استفاده شده است. جمعیت مورد مطالعه پژوهش را تمامی مقاله های مرتبط با موضوع پژوهش شامل میشود. در راستای انجام پژوهش پس از طراحی سؤالات پژوهش، جستجویی نظام مند براساس کلیدواژه های مرتبط از پایگاه های IRANDOC، SID، Scopus، Google scholar و ... بین سال های ۰۹۳۱ تا اوایل سال ۲۰۴۱، صورت گرفته است. یافته ها: یافته ها نشان می دهد که تعداد کدهای استخراج شده اولیه ۸۳۵ کد بودند که در مرحله بعدی به ۱۴۲ کد تبدیل و در مرحله کدگذاری ثانویه (محوری) به ۸۳ کد فرعی تبدیل شدند که در مرحله کدگذاری انتخابی به ۶ کد اصلی تبدیل شدند. نتیجه گیری: نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تعداد ۶ مقوله یا تم اصلی برای جرایم یقه سفیدی استخراج شد که عبارتند از: ۱. بعد فردی با دوازده مؤلفه؛ ۲. بعد اجتماعی با چهار مؤلفه؛ ۳. بعد اقتصادی با دو مؤلفه؛ ۴. بعد سازمانی با هشت مؤلفه؛ ۵. بعد سیاسی با سه مؤلفه و ۶. بعد قوانین و مقررات با سه مؤلفه

کلید واژه ها: جرم یقه سفیدی، جنسیت، فراترکیب، دلفی

۱-مریم کمائی: دانش آموخته دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: maryamkamaei2019@gmail.com

۲-سلامه ابوالحسنی: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

E-mail: salameh_abolhasani@yahoo.com

۳-زهرا انصاری فر: دانش آموخته دکتری گروه حقوق، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

E-mail: zahraansarifar@yahoo.com

۴-داریوش کلانتری: دانشجوی کارشناسی گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

E-mail: dkalantar94@gmail.com

جرم یقه سفید جرمی مالی است که توسط مجرمان یقه سفید انجام میشود. به طور سنتی، جرائم یقه سفید در جرم شناسی به عنوان جرایمی شناخته می شوند که افراد بلند پایه در محل کار مرتکب آن می شوند (گوتشالک^۱ و گلاسو^۲، ۲۲:۳۱۰). ادوین ساترلند^۳ که ۹۲ امین رییس انجمن جامعه شناسی آمریکا بود سخنرانی خود را با عنوان جنایت یقه سفید در نشست سالانه این سازمان در دسامبر ۱۹۳۹ ایراد کرد و رسماً جنایت یقه سفید را مورد بحث قرار داد. وی خاطر نشان کرد که در کنار جرایم سنتی مثل سرقت، قتل، تجاوز و سایر اقدامات خشونت آمیز، فعالیت های اجتماعی خاصی وجود دارد که توسط افراد طبقه بالا ی اقتصادی انجام می شود. ساترلند در ادامه جرایم را به جرایم یقه سفید و یقه آبی طبقه بندی کرد. وی جرایم یقه سفید را جرایمی دانست که توسط فردی انجام می شوند که متعلق به طبقه بالای اقتصادی هستند و هنگام انجام وظیفه ی حرفه ای و شغلی خود قوانین جزایی را نقض می کنند. ولی جرایم یقه آبی به اقدامات خشونت آمیزی اشاره دارد که توسط افراد متعلق به طبقات پایین اقتصادی - اجتماعی انجام میشود. مانند سرقت، قتل و

زنان و جرایم یقه سفیدها موضوعی است که به طور کلی در ادبیات به آن توجه چندانی نشده اند. در ابتدا، زنان به دلیل عدم مشارکت آن ها از بحث و تحقیق حذف شدند، اگرچه برخی از تفسیرهای اولیه بر قربانی کردن تمرکز داشتند.

زمانی که ادوین ساترلند برای اولین بار توجه عمومی و دانشگاهی را به جرایم یقه سفیدی جلب کرد، تعداد کمی از زنان در موقعیت هایی به کار گرفته شدند که برای ارتکاب جرایم نخبگان مرتبط با مشاغل یا حرفه ها مناسب بود. به گفته ساترلند، جرایم یقه سفیدی شامل مردان حرفه ای در موقعیت های بالا میشود. از سال ۱۹۳۹ تا دهه ۷۹۱، کار بر روی مجرمان و جرایم یقه سفیدی، مرد محور بود که هم شامل محققان علمی بود که در حال بررسی این موضوع بودند و هم مردانی که اکثر جنایات را مرتکب می شدند. زنانی که فرصتی خارج از حوزه خصوصی خانه نداشتند، در مجموع کمتر درگیر جرم بودند و مطمئناً در موقعیتی برای ارتکاب جرایم یقه سفیدی قرار نداشتند. در دهه های ۴۹۱ و ۵۹۱، جنایات زنان معمولاً به عنوان رفتاری ناپسند، ناهنجار و مردانه تلقی میشد. سرانجام، در اواسط دهه ۷۹۱، با ورود زنان بیشتری به عرصه عمومی به دنبال شغل، پیشبینیهای اولیه توسط محققان زن نشان داد که افزایش مشارکت در جنایات

1 Petter Gottschalk

2 Glasø

3 Edwin Hardin Sutherland

یقه‌سفیدها اجتناب‌ناپذیر است. همان طور که توسط دانشمندان زن پیشگام اشاره شد، انواع جنایات ارتكابی توسط زنان، احتمالاً فراتر از فحشا، کیف قاپی و دزدی از فروشگاه، به جرایم یقه سفیدی گسترش می‌یابد، زیرا فرصتها در حوزه عمومی به طور فزاینده‌ای در دسترس قرار می‌گیرد.

در سالهای اخیر توجه به جنسیت در مطالعات جرم‌شناسی بسیار حائز اهمیت بوده است. تعریف جرم یقه سفید در طی این سال‌ها ثابت مانده ولی تعریف جنسیتی تغییر کرده است. در حالی که جرم‌شناسان نخستین، در مطالعات خود بیشتر بر روی بزهکار تمرکز میکردند، جرم‌شناسی جدید (واکنش اجتماعی) بیشتر به مطالعه نقش بزه‌دیده در ارتكاب جرایم تاکید می‌کردند. پس از مطرح شدن این نوع جرم‌شناسی که به تفاوت‌های جنسیتی توجه دارد مساله جنسیت نیز وارد عرصه مطالعاتی جرم‌شناسی شد. تا پیش از این تمامیت‌تئوریهای ارائه شده در باب جرم‌شناسی بدون در نظر گرفتن نیم‌یاز جامعه بود که این امر منجر به این شد که تقریباً تمامیت‌تئوریهای ارائه شده فاقد ضمانت اجرای عملی و کاربردی شود. اما با طرح مسله جنسیت در مطالعات بزهکاری سهم تقریبی هر جنس در ارتكاب جرایم به نحو نسبی معین میشد و در راستای همین تحقیقات بود که مشخص شد بزهکاری و انحراف در انحصار مردان نیست، بلکه زنان نیز در فعلیت آن دارای سهم هستند.

شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر ارتكاب جرم یقه سفیدی در زنان و مردان موضوع مهمی است که برای جامعه، دولت و خصوصاً بخش اقتصاد و صنعت حائز اهمیت است. با توجه به اینکه در مورد این عوامل اطلاعات جامعی در دست نمی‌باشد، این تحقیق طراحی و به مرحله اجرا در آمده است و در پی آن است ابعاد برجسته جرم یقه سفیدی را مشخص نماید. بنابراین سوال تحقیق به این صورت است که ابعاد و مؤلفه‌های جرم جرایم یقه سفیدی در ایران و نروژ کدامند؟

۲- مبانی نظری

هدف استفاده از نظریه یا نظریه‌ها، بررسی همه جانبه موضوعات مختلف در قالب یک مجموعه منطقی است که به کمک آن می‌توان به نظام مند کردن و تبیین جرایم یقه سفیدها پرداخت. هر چند بخشی از جرایم یقه سفیدی در قالب فساد سازمانی محدود می‌گردد که مبدع آن ادوین ساترلند می‌باشد ولی می‌توان در خصوص تبیین تئوریک آن از رویکردهای نظری متعدد استفاده کرد. در ادامه بر جنسیت به عنوان یک مقوله کلیدی تمرکز شده است. هدف این گفتار ارائه دیدگاهی جامع از مفاهیم جرم‌شناسی جرم زنان نیست، بلکه

تنها بخشی از آن است. در ادامه نظریه‌های جرم‌شناسی منتخبی که به جنایت زنان مربوط میشوند، روایت شده اند: نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه رهایی، نظریه فرصت، نظریه حاشیه نشینی، نظریه فمینیستی، نظریه آسایش و نظریه خنثی سازی.

۱-۲ نظریه یادگیری اجتماعی^۴

این نظریه در سال ۱۹۹۱ توسط ساترلند مطرح شد. ساترلند مدعی است که افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد تماس های انحرافی آنان بیش از تماس های غیر انحرافی شان است. وی استدلال نمود که درگیری افراد در جرم یقه سفیدی، در نتیجه فرایندی روی می دهد که معاشرت ترجیحی نامیده میشود. نظریه یادگیری اجتماعی برای توضیح جرایم یقه سفید با بیان اینکه افراد نه تنها تعاریف مطلوب جنایت یقه سفید را یاد می گیرند، بلکه انگیزه های مورد نیاز برای درگیر شدن در این نوع جرم را نیز می آموزند، به کار گرفته شده است. براساس این نظریه رفتار مجرمانه در تعامل با کسانی که چنین رفتاری را به صورت نامطلوب تفسیر میکنند، یاد گرفته می شود و فردی که در موقعیت مناسب قرار گرفته است، تنها در شرایطی مرتکب جرم یقه سفیدی میشود که وزن تعاریف مطلوب از وزن تعاریف نامطلوب تجاوز کند (بنسون و سیمپسون، ۲۰۱: ۱۹۳۱).

ساترلند در نظریه معاشرت های افتراقی خود اعتقاد دارد که افراد جرم را در ارتباط با دیگران که تعریفی مثبت از جرم ارائه میدهند یاد میگیرند. این نظریه هم به جرایم سنتی و هم به جرایم یقه سفیدها قابل اعمال است تا حدی می توان گفت که به واسطه این نظریه بهتر می توان جرم یقه سفیدها را تحلیل نمود زیرا طیف وسیع تری از فرصت های یادگیری برای مجرمان یقه سفید وجود دارد و ماهیت این جرایم نیز فی نفسه پیچیدهتر است.

ساترلند (۱۹۹۱) اولین کسی بود که ارتباط افتراقی را همانطور که در مورد جرایم یقه سفید اعمال میشود، آزمایش کرد. ساترلند در مطالعه کیفی خود در مورد سارق حرفه ای دریافت که افراد هم تکنیک های مورد نیاز برای یک سارق موفق و هم تعاریف مناسب برای جرم و جنایت را یاد می گیرند که به توسعه نظریه افتراقی او کمک می کند (ساترلند ۱۹۹۱). مشابه ساترلند، کرسی (۱۹۸۱) مطالعه ای در مورد اختلاس کنندگان انجام داد و دریافت که فرآیند اختلاس هم شامل قرار گرفتن در معرض تعاریف و هم پذیرش این تعاریف به عنوان توجیه کننده یا منطقی کردن رفتار مجرمانه است (آکرز و جنسن ۲۰۰۲، ۹۰۰۲). دالی (۱۹۸۱) تفاوت های جنسیتی قابل توجهی را در جرم یقه سفیدی کشف کرد و نتیجه پژوهش او این

بود که زنان کمتر از مردان در هنگام درگیر شدن در جرایم یقه سفید به صورت گروهی کار می کنند. این یافته نشان می دهد که ارتباط افتراقی ممکن است در توضیح جرم یقه سفید در بین مردان مهم تر باشد. به طور مشابه، اشتسفن و همکاران (۳۱۰۲) تفاوت های جنسیتی قابل توجهی را در جرایم یقه سفید (به ویژه جرایم شرکتی) کشف کردند و دریافتند که زنان نسبت به مردان یقه سفید از ارتکاب جرم، سود کمتری دریافت میکنند و در ارتکاب این جرایم نقشهای جزئی را ایفا می کنند (سورسان و همکاران، ۸۶۱:۹۱۰۲).

۲-۲ نظریه رهایی^۵

اولین نظریه که بخشی از جریان اجتماعی است و سعی در تبیین جرم و جنایت زنان دارد، نظریه رهایی است. اصطلاح رهایی در اندیشه اجتماعی معاصر معنای بسیار مثبتی دارد. معمولاً به حقوق برابر یا برابری از نظر تحرک اجتماعی یا آزادی شخصی برای زنان، اقلیت های نژادی و قومی اشاره دارد. با این حال، هنگامی که از آن برای توضیح جرایم زنان استفاده میشود، مفاهیم منفی پیدا می کند. اعتقاد بر این است که در نتیجه رهایی، زنان ویژگی های سنتی زنانه خود را از دست داده و از بسیاری جهات به مردان شبیه شده اند. عواقب جانبی این روند افزایش جرم و جنایت آن ها است. ممکن است نتیجه گیری شود که در پرتو این نظریه، زنان می خواهند از حقوق برابر با مردان، از جمله در حوزه جرم، برخوردار باشند، که این نتیجه گیری پوچ به نظر می رسد. کتابی که فردا آدلر^۶ در سال ۵۷۹۱ منتشر کرد، بخشی از این روند است:

خواهران مجرم: پیدایش زنان مجرم جدید^۷ یکی از اولین تک نگاری هایی بود که پدیده جنایت زنان را از منظری کاملاً متفاوت با نظریه های جرم شناسی مسلط تاکنون که منشأ رفتار انحرافی و مجرمانه را در عوامل بیولوژیکی جستجو می کرد، به طور عمیق مورد تحلیل قرار داد. به گفته آدلر افزایش جرایم زنان تحت تأثیر فرآیند رهایی زنان و استقلال آن ها در زندگی اجتماعی بوده است (آدلر، ۳۱:۵۷۹۱).

ووچ اندراشچیک^۸ استدلال میکند که افزایش تعداد اعمال مجرمانه توسط زنان و ماهیت جدیتر آن ها مربوط به فرآیند مردانه سازی است. زنان به دلیل تقسیم بین حوزه خصوصی -

5 The emancipation theory

6 Freda Adler

7 Sisters in Crime: The Rise of New Female Criminal

8 Wojciech Andraszczyk

که تاکنون متعلق به آن‌ها بوده است، پرخاشگرتر، با اعتماد به نفس و شجاع تر شده اند - و حوزه عمومی که در قلمرو مردان است منسوخ شده است (آندراشچیک، ۲۰۱۸: ۷۱۰). از این رو، به نظر او، صحبت از تقسیم بندی جنسیتی در حوزه جنایی، هم از نظر کیفیت و کمیت اعمال ارتكابی و هم از نظر علل زمینه ای دشوار است. آدلر همچنین متقاعد شده بود که جنسیت یک عامل تعیین کننده به عنوان یک عامل جرم زا نیست. به نظر او، مهم ترین عامل زمینه ساز جرم زنان، دسترسی به فعالیت هایی بود که قبلاً مختص مردان بود (هارت و سانت، ۲۰۱۰: ۳-۴). به نظر نویسنده، تغییر معاصر در ساختار اعمال مجرمانه زنان مؤید فرضیات نظریه اوست. زیرا در گذشته زنان به مردان وابسته بودند و فعالیت آن‌ها به نقش مادری و همسری و نگهداری خانه محدود می شد و از این رو با شکستن اخلاق سنتی، به حرفه تن فروشی و گاه کودک کشی یا شوهرکشی می پرداختند. امروزه، جرایم ارتكابی توسط زنان، همراه با دستیابی به مشاغلی که به طور سنتی با مردان مرتبط است، ماهیت آن‌ها را تغییر داده است. به عنوان مثال می توان به جرایم یقه سفیدی (که توسط افرادی با درآمد، اعتبار و موقعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر نسبت به کارگران ارتكاب می یابد)، مانند کلاهبرداری مالی یا تقلب اقتصادی، که بیشتر و بیشتر توسط زنان انجام میشود باشد. علاوه بر این، همانطور که وویچ آندراشچیک اشاره کرده است، جنایت زنان پاسخی است به سرخوردگی هایی که به دلیل نامتقارن بودن روابط اجتماعی با مردان، علیرغم رهایی، و محدودیت های موجود در نقش های اجتماعی آن‌ها - نقش آن‌ها در حوزه خصوصی (مادر و همسر) و عمومی (کار حرفه ای) - یا تحمیل مطالبات بیش از حد از آن‌ها برای تحقق بخشیدن به مطالبات مردان، تجربه کرده اند. ضعف این نظریه این است که در مورد جرم و جنایت زنان در کشورهای جهان سوم که زنان هنوز به طور کامل در زندگی اجتماعی به حاشیه رانده شده اند، صدق نمی کند (آندراشچیک، ۲۰۱۸: ۷۱۰).

۳-۲ نظریه فرصت^۹

به نوبه خود، مفهوم ریتا سیمون^{۱۰} از تبیین جرم زنان به عنوان نظریه فرصت یاد میشود. او نیز مانند آدلر، منشأ افزایش رفتار مجرمانه زنان را در تغییر شرایط زندگی اجتماعی زنان می داند. او نظریه خود را در کتابی با عنوان زنان و جنایت^{۱۱} در سال ۵۷۹۱ تشریح کرد.

ریتا سیمون از نظریه های جبرگرایانه با اشاره به جبر زیست شناختی کناره گیری می کند و این باور را نشان می دهد که تفاوتی بین زنان و مردان در ادراک اخلاق وجود ندارد. نویسنده

9 The opportunity theory

10 Rita Simon

11 Women and Crime

عوامل بیولوژیکی را در منظر تلاش برای درک جرم زنان بی ربط می داند. ماهیت نظریه سیمون تزی است در مورد همبستگی بین افزایش ظرفیت عمل زنان در فضای اجتماعی و افزایش فعالیت های مجرمانه آن ها (دوج، ۹۹۱:۳۱۰۲). او می نویسد: "وقتی زنان بیشتر و بیشتری به عنوان کارگران بسیار ماهر و حرفه ای به بازار کار دسترسی پیدا می کنند، تعداد بیشتری از آن ها مرتکب جنایات علیه اموال می شوند. برخی از زنان مانند مردان در گذشته از این فرصت ها بهره مند می شوند" (به نقل از: اسلام و همکاران، ۴۱۰۲:۶). این نظریه تاکید می کند که افزایش دسترسی زنان به موقعیت های مرتبط با وضعیت اجتماعی-اقتصادی به افزایش نوع خاصی از جرایم (به اصطلاح یقه سفیدها) کمک می کند.

با این حال، گرایشی دیگر را نیز می توان در تفکرات او مشاهده کرد. او معتقد است که جنبش فمینیستی که اقداماتش به استقلال زنان کمک کرده است، تعداد جنایات ارتكابی توسط آن ها را کاهش داده است، زیرا آن ها احساس آزادی می کنند و از سرخوردگی تبعیت از مردان رنج نمی برند (همان، ۶). علاوه بر این، این امر منجر به کاهش پدیده قربانی شدن میشود. بعدها، سیمون نظریه فرصت خود را با تحلیل نقش به حاشیه راندن اقتصادی زنان در افزایش فعالیت مجرمانه آن ها تکمیل کرد (لام ۲۰۱۰: ۵۸-۹۴۸).

بیتردید هر دو نظریه ارائه شده تلاش جدیدی با جهتگیری جامعهشناختی برای تبیین بزهکاری زنان را نشان دادند. محققین فمینیستی این دو نویسنده را متهم به واکنش متقابل کردند. دور شدن از ایدئولوژی حقوق برابر؛ همچنین تزی درباره برانگیختن وحشت اخلاقی پیرامون پدیده رهایی زنان (در رابطه با فروپاشی زنانگی سنتی و خانواده به عنوان یک نهاد) وجود داشت. علیرغم این ادعاها، هر دو نویسنده به افزایش چشمگیر علاقه به جنایتکاری زنان کمک کرده اند (سیمپسون ۱۶: ۹۸۹۱).

۲-۴ نظریه حاشیه نشینی^{۱۲}

مدا چسنی لیند^{۱۳} نویسنده نظریه مهم دیگری است که ماهیت آن پدیده حاشیه نشینی است. وی علت اصلی جرم و جنایت زنان را پایین بودن جایگاه آنان در جامعه، دستیابی به مشاغل بدون اعتبار و عدم اجازه به آن ها برای تحقق خواسته های اجتماعی و شغلی خود عنوان می کند. همچنین این اعتقاد وجود دارد که پدیده بزه دیدگی نقش عمده ای در پیدایش جرایم ارتكابی توسط زنان دارد که مؤلفه اصلی آن خشونت است که زنان از مردان

12 The marginalization theory

13 Meda Chesney-Lind

متحمل می شوند. به عقیده منتقدان، ضعف این مفهوم، نارسایی آن در تبیین علل جرایم اقتصادی توسط زنان طبقه متوسط متعلق به یقه سفیدها است (اسلام و همکاران، ۶: ۴۱۰۲). مدا چسنی لیند به همراه میشل الیسون^{۱۴} نیز مشکل بازنمایی جنایت زنان در رسانه ها و مشکل ایجاد تصاویر دختران پرخاشگر/ تصاویر رسانه ای زن را در تحلیل های خود گنجانده اند. نویسندگان به فرآیندهای رسان های شیطانسازی به اصطلاح دختران بد و آسیب شناسی رفتارهای آن ها، برخلاف الگوی سنتی فرهنگی زنانگی اشاره میکنند (چسنی و الیسون، ۶۰۰۲: ۹۲-۰۳). از این رو حوزه های جدیدی از پژوهش در مورد نقش رسانه ها به عنوان عاملی در رشد رفتارهای پرخاشگرانه و مجرمانه زنان در اندیشه جرم شناسی گنجانده شده است.

۵-۲ نظریه جنسیتی نگرانی های کانونی^{۱۵}

انگیزه زنان برای ارتکاب جنایات یقه سفید، بر اساس دیدگاه فمینیستی و مردانه، ریشه در انتظارات جنسیتی اجتماعی و فرهنگی دارد.

نظریه جنسیتی اشتسفن مایر درباره نگرانی های کانونی بیان می کند که زنان و مردان دغدغه های کانونی مبتنی بر جامعه شناختی متفاوتی دارند که رفتار، روابط و شخصیت کلی آن ها را شکل می دهد. از زنان از نظر اجتماعی انتظار می رود که از نقش های مادری پیروی کنند تا نسبت به دیگران حساس، با محبت و مراقب باشند. این نگرانی های کانونی، به گفته اشتسفن مایر و آلن، با فعالیت های جنایی ناسازگار است. جنایات آثار زیانباری بر مردم دارند و ارزشهایی را نشان میدهند که مخالف هویت و نقش اجتماعی زنانه است. بنابراین زنان کمتر به جرم و جنایت می پردازند (بنسون و هاربینسون، ۵۹: ۲۰۲). وقتی آن ها درگیر فعالیت های مجرمانه می شوند، انگیزه آن ها برای انجام این کار مراقبت از دیگران است. برای مثال، برای دریافت مراقبت های پزشکی برای اعضای خانواده یا حفظ یک رابطه زناشویی یا خانوادگی (همان، ۹۴).

دغدغه های کانونی مردان با نگرانی های زنان متفاوت است. مردان با هنجارهای فردیت، استقلال، تسلط و کنترل شکل می گیرند. ساخت اجتماعی مردانگی مربوط به رقابت ریسک پذیری و موفقیت اقتصادی است. از این رو نگرانیهای کانونی مردان با رفتار مجرمانه مطابقت دارد، «بهویژه جنایاتی که جهتگیری مالی دارند و با میل به پیشرفت در زندگی یا محافظت از آنچه دارند انجام میشوند.» (همان، ۷۴)

14 Michele Eliason

15 Gendered Theory of Focal Concerns

زنان بیشتر از مردان مرتکب جنایت به نفع دیگران، از جمله شرکت، و نه فقط برای خانواده یا دوستان خود هستند. در تحقیقات اشتسفن مایر^{۱۶}، مشخص شد که اکثر مجرمان زن از مشارکت خود از لحاظ مالی منتفع نمیشوند، با تاکید بر این ایده که زنان به دنبال کسب منفعت مالی از این جنایات نیستند، بلکه بیشتر به فکر دیگران هستند. از سوی دیگر، مردان اغلب به دلایل مالی انگیزه دارند.

زنان جرایم خود را در چارچوب خانواده، رابطه و دوستی توجیه کردند. یک مطالعه نشان داد که توجیحات زنان و مردان برای اختلاس منعکس کننده این کلیشه های جنسیتی است. اگر چه زن و مرد هر دو پیشینه جرم را در ارتباط با دیگران تفسیر می کردند. انگیزه های مردان برای ارتکاب جرم حول میل آن ها برای نانآوری موفق بود، در حالی که زنان جرایم خود را با نیاز به محافظت از خانواده و فرزندانشان توضیح میدادند.

انگیزه های دیگر درگیر شدن در جنایات، میل به شبیه شدن به مردان و میل به تناسب با فرهنگ مردانه شرکتی است. دوج ادعا می کند که زنان تحت فشار قرار می گیرند تا طبق هنجارهای مردانه در دنیای شرکت ها عمل کنند. بنابراین، مدیران زن برای شرکت در جرایم شرکتی «محرکهای موقعیتی» دارند. انجام این کار ممکن است توسط زنان در پست های مدیریتی بالاتر به عنوان مکانیزمی برای توانمندسازی و اجازه دادن به آن ها برای «بخشی از بازی مردانه» استفاده شود. مدیران مرد از نظر اجتماعی معتبرتر از مدیران زن هستند. درگیر شدن در جنایات به زنان اجازه می دهد تا جایگاه بالاتری در دنیای شرکت ها کسب کنند. (السکا، ۲۰۲۰). محیط مردانه بسیاری از زنانی را که دارای موقعیت های پایین تری نسبت به هممتایان مرد خود هستند مجبور می کند تا با رفتارهای مردانه سازگار شوند تا ثابت کنند می توانند در کنار همکاران مرد خود کار کنند.

۶-۲ نظریه فمینیستی^{۱۷}

به نوبه خود، نظریه کاملاً فمینیستی در دهه ۰۶۹۱ به عنوان پاسخی به سنت وابسته محوری تحقیق در مورد جنایتکاری زنان متولد شد. اعتقاد بر این بود که جرم شناسی توسط مردان و از دیدگاه آن ها و در عین نادیده گرفتن تجربیات زنان ایجاد شده است. محققان فمینیست جنسیت را به عنوان یک مقوله اصلی متمایزکننده تجارب زنان و مردان، هم به عنوان مرتکب و هم قربانی خشونت، معرفی کرده اند.

16 Steffensmeier

17 The feminist theory

سرآغاز جرم شناسی فمینیستی را انتشار کتاب زنان، جنایت و جرم شناسی^{۱۸} (به نقل از نیوبرن، ۷۱۰۲) کارول اسمارت^{۱۹} در سال ۶۷۹۱ می دانند که نقطه عطفی در اندیشیدن به جرم زنان شناخته شده است. نویسنده این کتاب توجه خود را به «ناپیدا بودن» زنان در تحلیلهای جرمشناختی و مشکل حذف شده بزه‌دیدگی، که برای درک وضعیت این جنسیت حیاتی است، جلب کرد (گلستورپ، موریس، ۸۹۹۱:۳۹؛ نیوبرن ۷۱۰۲).

محققان فمینیستی گرا بیان کردند که نظریه های جرم شناسی قبلی موضوع زنان را نادیده می گرفتند و از سوی دیگر آن را کلیشه ای و جنسیتی می کردند. همچنین تری در مورد ظاهراً «تعمیم مرد محور» آن ها وجود داشت که بر اساس آن جرم مردانه هنجار و معیاری برای تبیین جرم زنان است (هانون و دفور، ۸۹۹۱: ۱۷-۳۶). از منظر فمینیستی، جرم شناسی به دلیل «کوری جنسیتی»^{۲۰} نیز مورد انتقاد قرار گرفت (گلستورپ، موریس، ۸۹۹۱: ۱۱-۳۹) که تحلیل جنایتکاری زنان را دشوار می کند» (نیوبرن ۷۱۰۲:۴۲۳).

فمینیست ها معتقد بودند (و این دیدگاه همچنان معتبر است) که مجرمان زن از نظر اجتماعی دو برابر به عنوان شهروند و به عنوان زن انحراف دارند. یک شهروند، و حتی بیشتر از آن یک زن، به دلیل ویژگی های زنانه غالب خود نباید مرتکب جرم شود (کارلن، ۷۰۲:۷۹۹۱).

مبارزه با نابرابری جنسیتی یکی از اهداف اصلی جرم شناسی فمینیستی بود. این جرم شناسی شامل دو گفتمان اصلی مرتبط با مفهومی سازی جنسیت است (نیوبرن، ۷۱۰۲:۹۲۳). اولین مورد به نظریه ساختاری نابرابری اشاره دارد که در آن عواملی مانند: طبقه، نژاد و جنسیت تعیین کننده عوامل تعیین کننده جرم و جنایت زنانه است.

گفتمان دوم توجه به جنسیت است که در آن جرم باید از منظر شیوه های خاص تحقق زنانگی و مردانگی در نظر گرفته شود (مثلاً مردانگی هژمونیک^{۲۱} را با جنایت مرتبط می کند) (نیوبرن، ۷۱۰۲:۹۲۳).

18 Women, Crime and Criminology

19 Carol Smart

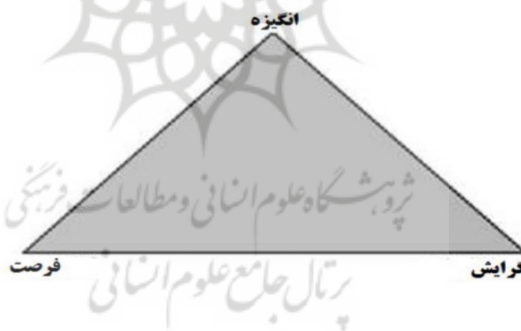
20 gender blindness

21 Hegemonic: مردانگی هژمونیک به عنوان رویه‌ای تعریف می‌شود که موقعیت مسلط: مردان را در جامعه مشروعیت می‌بخشد و تبعیت از مردان و زنان و سایر روش‌های به حاشیه رانده شده مرد بودن را توجیه می‌کند.

به عقیده پت کارلن^{۲۲} و آنژ ورال^{۲۳}، دستاوردهای مهم جرم شناسی فمینیستی عبارتند از: زیر سوال بردن نظریه های جرم شناسی سنتی تاکنون، تعیین جهت های جدید تحقیق، بررسی نظریه های موجود و گسترش آن ها با حوزه های مشکل جدید (کارلن، ورال ۷۸۹۱).

۷-۲ نظریه مثلث آسایش^{۲۴}

تئوری راحتی نشان می دهد که احتمال وقوع جرم یقه سفیدی به انگیزه های مالی، فرصت های سازمانی و تمایل فردی برای ارتکاب و پنهان کردن جرایم مالی در محیط کار بستگی دارد. (گوتشالک، ۲۲۰۲). نظریه آسایش اولین بار توسط گوتشالک ۷۱۰۲ به عنوان یک مفهوم اصلی در جرم شناسی معرفی شد. مثلث آسایش نشان می دهد که فرصت ها، تمایل و انگیزه ها می توانند برای ارتکاب جرم و پوشاندن آن با یکدیگر همکاری کنند. همچنین این نظریه نشان می دهد که انگیزه، فرصت و تمایل به رفتار انحرافی سه عامل اصلی در گرایش به ارتکاب جرم یقه سفیدی هستند. نظریه آسایش، اثرات علی بین ابعاد را نشان می دهد. شکل زیر مثلث آسایش را برای جرم یقه سفید نشان می دهد که در آن، ابعاد به صورت عوامل جرم زا به هم مرتبط هستند (گوتشالک، ۷۰۱:۱۰۴۱).



شکل ۲-۱ مثلث آسایش

در واقع، نظریه اسایش رویکرد جدیدی برای توضیح وقوع جرایم یقه سفید است. تئوری آسایش نشان میدهد که این انگیزه اقتصادی است که مجرمان را قادر میسازد تا از فرصتها

22 Pat Carlen

23 Anje Worall

24 Triangle Convenience Theory

برای ارتکاب و پنهان کردن جرایم سوء استفاده یا از تهدید به ارتکاب رفتار انحرافی اجتناب کنند. در بعد انگیزه، فرصت ها و تهدیدها می توانند از عوامل ارتکاب جرایم مالی باشند. فرصت ها منجر به جرایم شغلی برای منافع شخصی و یا جرایم شرکتی^{۲۵} برای منافع سازمانی میشود. به لحاظ شخصی، یک سبک زندگی مرفه تر امکان پذیر میشود و از نظر سازمانی، بازارها و فرصت های جدید برای کسب و کار دور از ذهن نیست. به عنوان مثال اختلاس می تواند در مواردی به وضعیت طلاق یا دیگر شرایط چالش برانگیز کمک کند درحالی که رشوه می تواند به قراردادهای جدید و مجوزهای ساختمان کمک نماید (هان و اوسلن، ۱۲: ۶۱۰۲).

آسایش وضعیتی است که با کمی تلاش یا سختی و بدون رنج می توانید به آن چه می خواهید برسید. میزان انتخاب افراد ممتاز برای زیر پا گذاشتن قانون در شرایط سخت یا وسوسه انگیز به جهت گیری آسایش آن بستگی دارد. آسایش با هزینه بالقوه، احتمال شناسایی و مجازات آینده مجرم همراه است؛ به عبارت دیگر، کاهش زمان و تلاش حال، مستلزم پتانسیل بالاتری از هزینه آینده است و پرداخت پول برای راحتی، راهی برای تفسیر این گزاره است (جلیلیان و رولی، ۲: ۹۰۰).

شکل ۲-۲ ساختار راحتی یقه سفید را که از ادبیات تحقیق در جرم شناسی، جامعه شناسی، روانشناسی و مدیریت به دست آمده است نشان می دهد (گوتشالک، ۲۰۲۰). این شکل میزان راحتی جرم یقه سفیدی با انگیزه، فرصت و تمایل خود را نشان می دهد. میزان راحتی جرم یقه سفیدی به انگیزه، فرصت و تمایل بستگی دارد که در مدل ساختاری در شکل ۴-۲ نشان داده شده است.

در انگیزه مالی، سود ممکن است به خودی خود یک هدف یا توانمندی برای بهره برداری از امکانات و اجتناب از تهدیدات باشد. احتمالات و تهدیدها هم برای تک تک اعضای سازمان و هم برای شرکت وجود دارد. بهره برداری از امکانات و اجتناب از تهدیدات با ابزار مالی راحت است.

در فرصت سازمانی، راحتی می تواند هم برای ارتکاب جرم یقه سفید و هم برای پنهان کردن جرم یقه سفید وجود داشته باشد. مجرمان در موقعیتهای ممتاز از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردارند و دسترسی قانونی به منابع جرم دارند. زوال سازمانی باعث زوال، عدم نظارت و هرج و مرج میشود و ساختارهای بازار جنایی باعث فروپاشی میشود.

جرایم شرکتی یا جرایم اشخاص حقوقی تجاری و مرتکبان آن که در دهه های اخیر تابع ۲۵ حقوق کیفری و بنابراین دارای مسئولیت کیفری شده اند را می توان به تعبیری، مفهوم بازاندیشیده شده از جرایم یقه سفیدان تلقی نمود که در حیطه مطالعاتی جرم شناسی های انتقادی قرار می گیرند و به معنای اعمال مجرمانه شرکت های تجاری است که در بسترهای شغلی و توسط اقدامات جمعی مدیران یا کارکنان شرکت صورت می گیرد.

تمایل شخصی برای ارتکاب رفتار انحرافی با انتخاب جرم یا ناشی از بی گناهی ادراک شده است. انتخاب جرم می تواند ناشی از هویت انحرافی، ملاحظات عقلانی یا یادگیری از دیگران باشد. احساس بی گناهی در جرم با توجیه و خنثی کردن امکان پذیر است. هویت، عقلانیت، یادگیری، توجیه و خنثیسازی همگی در تبدیل جرم یقه سفیدی به رفتاری مناسب برای مجرمان نقش دارند.

۳- روش پژوهش

در این پژوهش از روش فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی می باشد که اطلاعات و یافته های استخراج شده از مطالعات دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی میکند. در نتیجه، نمونه مورد نظر برای فراترکیب، از مطالعات منتخب و براساس ارتباط آنها با سوال پژوهش تشکیل میشود. در این پژوهش به منظور پاسخ به سوال پژوهشی، از روش هفت مرحله ای «سندلوسکی و باروسو»^{۲۶} (۷۱۰۲) استفاده شده است. گامها و مراحل هفت مرحله ای «سندلوسکی و باروسو» در جدول زیر نشان داده شده است (محمدی و همکاران، ۲۹۳۱):

جدول ۱-۳ روش هفت مرحله ای فراترکیب

شرح فعالیت	مراحل
تنظیم سوال پژوهش	مرحله اول
بررسی متون به صورت نظام مند	مرحله دوم
جستجو و انتخاب منابع مناسب	مرحله سوم
استخراج اطلاعات از منابع	مرحله چهارم
کدگذاری و تحلیل یافته ها	مرحله پنجم
کنترل کیفیت	مرحله ششم
ارایه یافته ها	مرحله هفتم

گامها و مراحل روش کار در فراترکیب برای این مقاله به شرح زیر می باشد:

- مرحله اول: تنظیم سوال پژوهش: سوال پژوهش که مقوله ها و زیرموضوعات چارچوب مفهومی را نیز دربر دارند، عبارت است از: ابعاد مربوط به جرایم یقه سفید کدامند؟ و هر کدام

از ابعاد دارای چه مولفه‌هایی میباشند؟

- مرحله دوم: بررسی متون به‌صورت نظاممند: در مرحله دوم انجام فراترکیب، پایگاه‌های اطلاعاتی و موتورهای جستجوی اینترنتی مختلفی مورد جستجو قرار گرفتند و کلیدواژه‌های متعددی برای جستجوی مقالات برای انجام فراترکیب استفاده شدند. در این مرحله، ابتدا کلیدواژه‌های اصلی شامل: ۱. مبانی نظری یقه سفید؛ ۲. جرایم یقه سفید؛ ۳. علل گرایش به ارتکاب جرایم یقه سفید در بخش‌های مربوط به عنوان، چکیده و کلمات کلیدی مقالات فارسی و انگلیسی، به‌منظور جستجوی نظاممند مقالات منتشرشده مورد جستجو قرار گرفت. در این پژوهش، مقالات فارسی موجود از پایگاه‌های اطلاعاتی: پرتال جامع علوم انسانی؛ پایگاه مجلات تخصصی نور؛ سایت سیویلیکا؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و مقالات انگلیسی موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی Google Scholar (گوگل اسکولار) و Scopus (اسکوپوس) و Science Direct (ساینس دایرکت) بررسی شد. به‌منظور استخراج مقالات مناسب از منابع ذکر شده با استفاده از کلیدواژه‌های مشخص، معیارهایی در نظر گرفته شده است که در این پژوهش معیارهای پذیرش و یا عدم پذیرش منابع مطابق با جدول زیر تعیین شده است. همچنین در همان بدو جستجو، به‌منظور جلوگیری از دریافت مقالات نامرتب از لحاظ عنوانی، محقق عناوین مقالات را در پایگاه‌های اطلاعاتی به‌دقت مطالعه کرده تا از ورود منابع نامرتب فراوان برای گام بعدی جلوگیری نماید:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳-۲: معیارهای پذیرش و عدم پذیرش منابع در گام دوم

معیارها	معیار پذیرش	معیار عدم پذیرش
اعتبار مقالات	مقالات منتشر شده در نشریات معتبر	نظرات شخصی؛ پایگاههای اطلاعات شخصی و غیر مرتبط
عناوین مقالات	- عناوین مرتبط با با جرایم یقه سفید - تکراری نبودن عناوین	- عناوین غیر مرتبط با جرایم یقه سفید - تکراری بودن عناوین
موضوع و محتوای مقالات	ابعاد، تعریف، مدلها و علل وقوع	غیر از موارد اشاره شده

- مرحله سوم: جستجو و انتخاب مقالات مناسب: در ابتدای این مرحله، فرایند جستجو محقق مشخص میکند آیا مقالات یافتشده متناسب با سوال پژوهش میباشد یا خیر؟ بهمنظور رسیدن به این هدف، معیارهایی را برای پذیرش و عدم پذیرش در نظر گرفتهشده و براساس آن مجموعه مطالعات منتخب چندین بار مورد بازبینی قرار گرفتند. بر این اساس، در هر بازبینی تعدادی از منابع رد شدند و در نتیجه در فرایند فراترکیب مورد بررسی قرار نگرفتند. فرایند بازبینی به این صورت انجام گرفت که محقق پارامترهای مختلفی را مانند: عنوان (از حیث موضوعیت داشتن و تکراری بودن یا نبودن)، چکیده، کلیدواژه و محتوای مقالات را در نظر گرفته و رویهای مناسب را انجام داد.

معیارهای پذیرش و عدم پذیرش مقالات مطابق با جدول زیر تعیین شده است:

جدول ۳-۳: معیارهای پذیرش و عدم پذیرش منابع در گام سوم

معیارها	معیار پذیرش	معیار عدم پذیرش
عنوان مقالات	عناوین مرتبط با موضوع مطالعه	عناوین غیرمرتبط با موضوع مطالعه
کیفیت محتوای چکیده مقالات	چکیده های مرتبط با موضوع مطالعه	چکیده های غیرمرتبط با موضوع مطالعه
کیفیت موضوع و محتوای متن	موضوعات و محتوای مرتبط با موضوع مطالعه	موضوعات و محتوای غیرمرتبط با موضوع مطالعه
کیفیت روش شناسی مقالات	براساس ابزار حیاتی «گلین» نمرات بالاتر از ۵۷ درصد	براساس ابزار حیاتی «گلین» نمرات پایین تر از ۵۷ درصد

فهرست این منابع و چگونگی انتخاب حجم نمونه نهایی در بخش نمونه گیری همین فصل ارایه شده است. - مرحله چهارم: استخراج اطلاعات از مقالات: در سرتاسر فراترکیب، به طور پیوسته منابع منتخب و نهایی شده، به منظور دستیابی به یافته های درون مطالعات، چندین بار بازخوانی شدند. در این مرحله به استخراج اطلاعات هریک از منابع انتخاب شده برای پژوهش نهایی اقدام میشود که نتایج در فصل چهارم ارائه شده است.

- مرحله پنجم: کدگذاری و تحلیل یافته ها: در طول تحلیل، موضوعات یا تم هایی جستجو شدند که در میان مطالعات موجود در فراترکیب پدیدار شده بودند. بدین منظور از روش تحلیل مضمون برای کدگذاری استفاده شد. «سندلوسکی و باروسو» (۷۰۰۲) به این موارد به عنوان «بررسی موضوعی» اشاره میکنند. در پژوهش حاضر، ابتدا تمام مولفه های استخراج شده از مطالعات را به عنوان کد در نظر گرفتیم و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هریک از این کدها، آنها را در یک مفهوم مشابه دسته بندی نمودیم. به این ترتیب مفاهیم (تم های) پژوهش شکل گرفت و مفاهیم مرتبط نیز در یک طبقه کلی تر به نام مقولات دسته بندی شدند. در پژوهش حاضر، ابتدا تمام ابعاد، مولفه ها و شاخص های استخراج شده از مطالعات را به عنوان کد در نظر گرفتیم و سپس به بررسی کدها پرداخته و با در نظر گرفتن مفهوم هریک از این کدها، آنها را در یک مفهوم مشابه دسته بندی کردیم. به این ترتیب مفاهیم (تم ها) پژوهش شکل گرفتند و مفاهیم نیز در یک طبقه کلی تر بهنام ابعاد دسته بندی شدند. این مرحله شامل پاسخگویی به سوالات پژوهش است که از طریق تحلیل داده ها بااستفاده از کدگذاری تحلیل

مضمون انجام میشود که نتایج در فصل چهارم ارائه شده است.

- مرحله ششم: کنترل کیفیت: شاید مهم تر از ارزیابی مطالعات برای دربرداشتن معیارهای شمول و مرتبط بودن، ارزیابی مطالعات برای دربرداشتن معیارهای کیفیتی میباشد. در روش فراترکیب و در این مرحله، از ابزار حیاتی ارزیابی «گلین» (۶۰۰۲) جهت ارزیابی کیفیت مطالعات اصلی پژوهش کیفی استفاده شده است.

- مرحله هفتم: ارایه یافته ها: در این مرحله از روش فراترکیب، مطابق جدول فصل چهارم، یافته های حاصل از مراحل قبل ارایه شده است.

جدول ۳-۴: حجم نمونه برای استفاده در فراترکیب

مشخصات مقاله شناختی
موسوی مجاب، سیددرد (۲۹۳۱). بزهکاران یقه سفید. فصلنامه مدرس علوم انسانی. ۸ (۳). ۱۶-۳۸.
شکریان امیری، حسین؛ سیدعلیپور، سیدحامد و صابر، علی (۴۹۳۱). بررسی و تبیین ماهیت جرایم یقه سفید و مصادیق آن. هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران. تهران: ایران.
کمائی، مریم؛ ابوالحسنی، سلامه و فرهود، نغمه (۱۰۴۱). بررسی مثلث آسایش در مجرمان یقه سفید و یقه صورتی در حقوق نروژ و ایران. فصلنامه پژوهش های روابط بین المللی. ۲۱ (۴). ۱۲۲-۴۴۲.
سپهوند، میلاد (۱۰۴۱). جرایم جرم‌انگاری در جرایم یقه سفید و راهکارهای پیشگیری از این جرایم ازمنظر جرم شناسی. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه. ۸ (۲). ۲۹۶-۳۰۷.
کمائی، مریم؛ ابوالحسنی، سلامه و فرهود، نغمه (۱۰۴۱). زنان و مجرمین یقه سفید: مقایسه جرائم یقه صورتی و یقه سفید در حقوق ایران و نروژ. فصلنامه علمی آموزه های فقه و حقوق جزا. ۴ (۴). ۲۸-۰۷.
حسینی، سیدمحمد و قورچی بیگی، مجید (۴۹۳۱). تحلیل بزه دیده شناختی جرایم یقه سفیدها. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۳ (۰۱). ۹-۰۴.
قورچی بیگی، مجید (۸۹۳۱). تحلیل کیفی از بزهکاری یقه سفیدها: فهم زمینه ها و انگیزه ها. مسائل اجتماعی ایران. ۰۱ (۱). ۷۱۲-۸۳۲.
حسن دوستفرخانی، هادی و یزدانپناه، لیلی (۲۹۳۱). بررسی نگرش به فساد اداری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی. راهبرد توسعه. ۴۳. ۴۱۱-۰۸.
نقیب، بهارالسادات؛ امینی، محمد و درخشنده، منصور (۷۹۳۱). پیشگیری از جرائم یقه سفید با رویکرد آموزه های دینی. نشریه پژوهش های سیاسی و بین المللی. ۹ (۷۳). ۹۸۲-۷۱۳.
نصیری، مصطفی (۳۹۳۱). سازوکارهای کنترل جرایم یقه سفید: الگوهای کیفری و غیر کیفری. نشریه کارآگاه. ۷ (۸۲). ۷-۴۲.
تقیپور، علیرضا (۲۹۳۱). مجرمین یقه سفید از دیدگاه جرم‌شناسی و نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. ۱ (۳). ۵۵-۶۶.
غفاری، سولماز (۹۹۳۱). سیاستهای جنایی ایران در جلوگیری از به وجود آمدن مجرمین یقه سفید. دوفصلنامه بین المللی تحقیقات علوم قضایی. ۱ (۲). ۱۱-۹۲.

مشخصات مقاله شناختی

میرخلیلی، سید محمود و خدادوست، بهنام (۶۹۳۱). تغییر از مجرمین یقه سفید به مجرمین یقه قرمز. جستارهای حقوق عمومی. ۱ (۳). ۹۲۱-۶۵۱
حسینی دره صوفی، سید محمد (۰۰۴۱). ویژگی های شخصیتی مجرمین یقه سفید. نشریه کارآگاه. ۴۱ (۴۵). ۹۵-۲۷.
Gottschalk, Petter (2019). Stage model for female criminals: business school students' perceptions of white-collar offenders. <i>Journal of Gender Studies</i> . 28 (6). 720-729.
Filstad, Cathrine & Gottschalk, Petter (2012). Characteristics of white-collar criminals: a Norwegian study. <i>Journal of Money Laundering Control</i> . 15 (2). 175-187.
Gottschalk, Petter (2012). Gender and white-collar crime: only four percent female criminals. <i>Journal of Money Laundering Control</i> . 15 (3). 362-373.
Gottschalk, Petter & Glaso, Larse (2013). Gender in White-Collar Crime: An Empirical Study of Pink-Collar Criminals. <i>International Letters of Social and Humanistic Sciences</i> . 4. 22-34.
Gottschalk, Petter (2013). Women's Justification of White-Collar Crime. <i>International Journal of Contemporary Business Studies</i> . 4 (1). 24-32.
Gottschalk, Petter & Smith, Robert (2013). Gender and white-collar crime: Examining the representation of women in the media? <i>Journal of Gender Studies</i> . 37-41.
Benson, Michael L. & Gottschalk, Petter (2015). Gender and White-Collar Crime in Norway: An Empirical Study of Media Reports. <i>International Journal of Law, Crime and Justice</i> . 43 (4). 535-552.
Gottschalk, Petter (2018). Convenience triangle in white-collar crime: Case studies of relationships between motive, opportunity, and willingness. <i>International Journal of Law, Crime and Justice</i> . 55. 80-87.
Gottschalk, Petter (2017). Convenience in White-Collar Crime: Introducing a Core Concept. <i>Deviant Behavior</i> . 38 (5). 605-619.
Gottschalk, Petter (2020). Gender and Crime: Convenience for Pink-Collar Offenders. <i>Deviant Behavior</i> . 1-15. doi.org/10.1080/01639625.2020.1794270

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴-۱ مقوله بندی و کدگذاری محوری مربوط به «مولفه های جرایم یقه سفید»

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله های (تم‌های) اولیه
• فضایل اخلاقی	صداقت بالا وظیفه شناسی بالا پایداری عاطفی بالا
• توانایی های فردی	رقابت پذیری بالا سازش پذیری بالا جدیت بالا پشت کار بالا داشتن شخصیت ریسک پذیری تمایل به خطر کردن تمایل به سود مالی براساس تهدیدها و احتمالات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله‌های (تم‌های) اولیه
ضعف اخلاقی	نبود وجدان اخلاقی نبود ارزشهای اخلاقی در افراد نبود ارزشهای معنوی در افراد از بین رفتن حرمت درآمدهای نامشروع نبود ایمان در افراد ضعف ایمان در افراد میزان احساس گناه از طرف افراد نبود احساس پشیمانی نبود احساس شرمساری نبود احساس افسردگی سست شدن ارزشهای اجتماعی در جامعه رواج انحرافات اجتماعی میان یقه سفیدان
ضعف شخصیتی	عدم پایبندی به خانواده عدم پایبندی به قواعد اجتماعی نبود قدرت خودکنترلی در افراد نبود خودکنترلی عدم احساس و درک خطر ذهنی نسبت به جرایم ناآگاهی افراد نسبت به عواقب جرم نبود ترس از گرفتار شدن

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله‌های (تم‌های) اولیه
• تمایل شخصی	متغیرانگیزه وجود انگیزه در افراد انگیزه‌های افراد تمایل شخصی وجود تمایل در افراد تمایلات افراد وجود تمایل شخصی برای رفتار انحرافی متغیر گرانش انگیزه قوی برای سود غیرقانونی تمایل شخصی تمایل شخصی برای رفتار انحرافی تمایل شدید به ارتکاب جرم مالی
• فرصت طلبی	متغیر فرصت وجود فرصت در افراد فرصت‌های افراد دسترسی به فرصت فرصت‌طلب بودن افراد فرصت‌های ارتکاب جرم وجود فرصت برای ارتکاب جرم دسترسی به فرصت‌های مجرمانه در افراد فرهنگ مبتنی بر مظاهر مادی در افراد
• نیازهای شخصی	وجود نیاز وجود طمع نیازهای افراد
• توجیهات شخصی	توجیه اخلاقی خلاف توسط افراد توجیهات عقلانی جرم وجود عذرها و توجیهات عقلانی افراد توجیه رفتار مجرمانه توجیه ضرورت‌های خانوادگی جرم توجیه ارتکاب جرم به‌خاطر دیگران فشار و نگرانی وضعیت خانواده

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله‌های (تم‌های) اولیه
رفتارهای مجرمانه	ویژگی‌های جنسیتی جنسیت افراد داشتن توان و استعداد بزهکاری تبهکاری ظاهری تبهکاری قانونی یا قضایی وجود رفتارهای انحرافی در افراد بُعد رفتاری
هوش و استعداد	زیرک و باهوشی خاص هوشیاری بالا داشتن هوش بالا هوش بالا استعداد بالا استعداد قابل توجه
تخصص و مهارت	داشتن تخصص خاص در امور داشتن تبحر خاص در امور
قدرت ارتباط‌گیری	بهره‌مندی از قدرت افراد بهره‌مندی از نفوذ موثر افراد داشتن قدرت بالا در خطرپذیری مردان داشتن قدرت بالا در مواجهه با خطر در مردان داشتن شهامت بالا در مردان افرادی آراسته
وجهه اجتماعی	دارای وجهه عمومی افراد دارای وجهه اجتماعی خاص برخورداری از وجهه اجتماعی بالا بودن میزان سازگاری اجتماعی بالا بودن میزان قابلیت اجتماعی شخصیت بالای یقه سفیدان

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله‌های (تم‌های) اولیه
• موقعیت اجتماعی	افراد دارای جایگاه بالای اجتماعی دارای موقعیت بالا جایگاه اجتماعی محترم‌انده افراد برخورداری از موقعیتهای بالای اجتماعی برخورداری از موقعیت اجتماعی خاص برخورداری از موقعیت اجتماعی دارای مقبولیت اجتماعی بالا فرصت حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی افراد طبقه بالای اجتماعی تعلق به طبقات عالی افراد دارای پایگاه اجتماعی خاص تعلق به پایگاه اجتماعی ویژه برخورداری از موقعیت اجتماعی موقعیت بالای یقه‌سفیدان برخورداری از موقعیت عالی اجتماعی جرایم با استفاده از جایگاه اجتماعی دستیابی به ساختارهای قدرت اجتماعی
• منزلت اجتماعی	افراد دارای احترام اجتماعی افراد قابل احترام داشتن احترام قابل توجه صاحب احترام در جامعه بودن افراد دارای منزلت اجتماعی افراد دارای منزلت فرهنگی قابل احترام بودن
• اعتماد اجتماعی	استفاده از اعتماد عمومی اعتماد اجتماعی وجود اعتماد نسبت به افراد

ترکیب مقوله های (تم های) اولیه	مقوله های (تم های) ثانویه
دسترسی به ساختارهای قدرت سازمانی دسترسی به پُستهای مدیریتی اشتغال افراد در صنایع مهم افراد دارای موقعیت ممتاز سازمانهای عمومی سوءاستفاده از موقعیت و منصب سوءاستفاده از موقعیت جرایم حین کار با استفاده از موقعیت اداری سوءاستفاده از موقعیت سوءاستفاده از نفوذ اداری کارمندان با موقعیت بالای اداری سوءاستفاده از موقعیت اداری سوءاستفاده از نفوذ اداری افراد بلندپایه اداری افراد دارای موقعیت ممتاز در مشاغل سوءاستفاده از موقعیت سازمانی سوءاستفاده از موقعیت نهادی	• سوءاستفاده از موقعیت کاری
عدم نظارت کارکنان کلیدی ضعف در نظارت کارکنان کلیدی عدم دقت در گزینش افراد در امور اداری عدم دقت در انتصاب افراد در امور اداری نظارت ضعیف در محیطهای کاری کنترل افراد بعد از انتصاب در مشاغل مهم نظارت افراد بعد از انتصاب در مشاغل مهم عدم نظارت کافی بر امور کارگزاران	• ضعف کنترل اداری • ضعف نظارت اداری

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله‌های (تم‌های) اولیه
• وجود فرصت‌های سازمانی	فرصت سازمانی برای ارتکاب و پنهان کردن جرم مالی ایجاد فرصت در سازمان برای جرم فرصت‌های سازمانی وجود فرصت‌های سازمانی وجود فرصت سازمانی برای ارتکاب و پنهان کردن جرم داشتن مهارت در مسایل فنی داشتن اطلاعات حساس میزان دسترسی به منابع در افراد
• محیط شغلی ویژه	محیط شغلی مسئولیت شخصی ویژه پایگاه اجتماعی بالا در شغل نوع شغل افراد سمت شغلی افراد حوزه شغلی افراد تعلق افراد در شرکت‌های صنعتی و بازرگانی دسترسی‌های ویژه سازمانی دستیابی به پست‌های شغلی بالاتر خرده فرهنگ‌های شغلی بعد سازمانی
• بی توجهی به کارکنان	سطح دستمزد ناچیز کارکنان دولت بی توجهی به معیشت مناسب کارمندان
• ظاهرسازی سازمانی • فریب کاری سازمانی	کارمندان با شخصیتی ظاهرا هنجارمند وجود ریاکاری در ساختار اداری وجود ظاهرسازی در ساختار اداری ساختار سازمانی ضعیف رفتار خارج از چارچوب رسمی اداری دسترسی به آماج در سطح سازمان کسب منافع سازمانی ناروا

مقوللهای (تم های) ثانویه	ترکیب مقوله های (تم های) اولیه
• انگیزه های مالی	انگیزه های مالی وجود انگیزه مالی به نفع فرد یا سازمان اهداف مالی اهداف اقتصادی دستیابی به سود اقتصادی کلان انگیزه اقتصادی کسب منافع شخصی بُعد اقتصادی مشکلات اقتصادی یقه سفیدان
• قدرت اقتصادی	افراد دارای وجهه اقتصادی خاص داشتن توان اقتصادی برخورداری از موقعیتهای بالای اقتصادی برخورداری از موقعیت اقتصادی ویژه مرفه بودن افراد قرار گرفتن در بخش مرفه جامعه افراد دارای منزلت اقتصادی ثروتمند بودن دسترسی به منابع مالی زیاد داشتن موقعیت برای دسترسی به پول داشتن پشتوانه اقتصادی خوب برخورداری از قدرت اقتصادی صاحبان ثروت افراد طبقه بالای اقتصادی ثروتمند بودن دسترسی به منابع مالی زیاد
• کسب اقتدار	استفاده از موقعیت استفاده از جایگاه قدرت استفاده از قدرت نفوذ هدایت منابع به سمت فعالیت های نادرست هدایت استعدادها به سمت فعالیت های نادرست

مقوله‌های (تم‌های) ثانویه	ترکیب مقوله‌های (تم‌های) اولیه
• برخورداری از اقتدار	داشتن فرصت منحصربه فرد داشتن حوزه نفوذ خاص تعلق طبقه ممتاز جامعه برخورداری از اقتدار سیاسی برخورداری از اقتدار وجود اقتدار در برخی از افراد داشتن قدرت صاحبان قدرت برخورداری از موقعیت سیاسی ویژه
• منزلت سیاسی	افراد دارای منزلت سیاسی برخورداری از وجهت سیاسی افراد دارای وجهه سیاسی خاص افراد دارای مناصب بالا افراد دارای صاحب نفوذ و اقتدار زیاد تعلق به پایگاه سیاسی ویژه
• ضعف قوانین و مقررات	احتمال ضعیف کشف جرایم ناتوانی نظام کیفری در احراز مجرمیت نبود قوانین و مقررات سختگیرانه نسبت به جرایم یقه سفیدان ضعف قانون در اخراج خاطیان اداری نبود قانون و مقررات شفاف در زمینه‌های مختلف توزیع نادرست ثروت
• ضعف نظارت قانونی	ضعف نظارت ضعف قوانین و مقررات نظارت ضعیف قانون اغماض سازمان‌های نظارتی چگونگی فعالیت‌های دولت اندازه دولت بزرگی دولت

ترکیب مقوله های (تم های) اولیه	مقوله های (تم های) ثانویه
فربکاری مانورهای متقلبانه آشکار نبودن جرایم ارتكابی مخفی کاری ممانعت از افشای جرم مشروعیت درک شده از طرف افراد کمتر مورد سوءظن قرار گرفتن افراد نبود احساس پشتیبانی قانون استفاده از روشها قانونی استفاده از ابزارهای قانونی نبود ترس از قانون نبود حساسیت مردمی عدم تعهد به قانون و مقررات تعهد ضعیف به قوانین نترسیدن از ارتكاب به جرم فرهنگ و سابقه تاریخی فساد اداری فرهنگ و سابقه تاریخی فساد دولتی	• سوءاستفاده از قوانین و مقررات

جدول ۴-۲ مقوله‌بندی و کدگذاری انتخابی مربوط به «مولفه های جرایم یقه سفید»

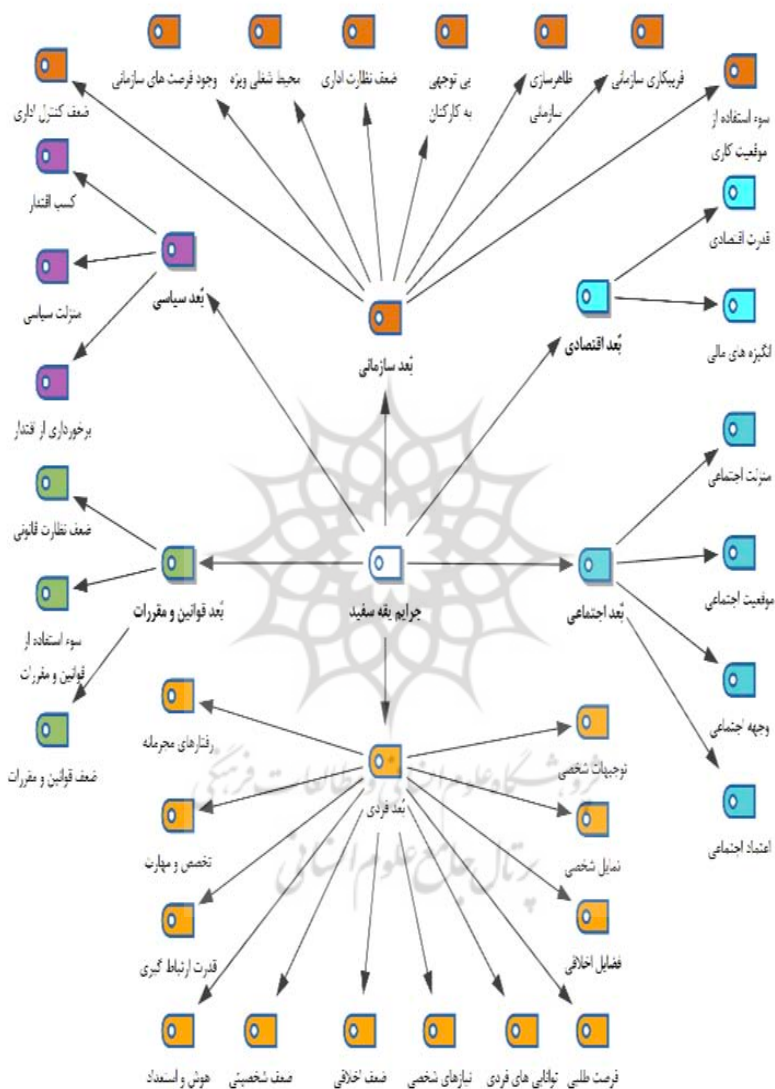
مقوله های (تمهای) اصلی	مقوله ها (تمهای) ثانویه (فرعی)
• بُعد فردی	• فضایل اخلاقی
	• تواناییهای فردی
	• ضعف اخلاقی
	• ضعف شخصیتی
	• تمایل شخصی
	• فرصت طلبی
	• نیازهای شخصی
	• توجیهات شخصی
	• رفتارهای مجرمانه
	• هوش و استعداد
	• تخصص و مهارت
	• قدرت ارتباط گیری
	• وجهه اجتماعی
• بُعد اجتماعی	• موقعیت اجتماعی
	• منزلت اجتماعی
	• اعتماد اجتماعی

مقوله های (تمهای) اصلی	مقوله ها (تمهای) ثانویه (فرعی)
• بُعد سازمانی	• سوءاستفاده از موقعیت کاری
	• ضعف کنترل اداری
	• ضعف نظارت اداری
	• وجود فرصت‌های سازمانی
	• محیط شغلی ویژه
	• بی توجهی به کارکنان
	• ظاهرسازی سازمانی
	• فریبکاری سازمانی
• بُعد اقتصادی	• انگیزه های مالی
	• قدرت اقتصادی
• بُعد سیاسی	• کسب اقتدار
	• برخورداری از اقتدار
	• منزلت سیاسی
• بُعد قوانین و مقررات	• ضعف قوانین و مقررات
	• ضعف نظارت قانونی
	• سوءاستفاده از قوانین و مقررات

۴-۱ ترسیم شبکه‌های مقولات و مفاهیم (شبکه مضامین)

باتوجه به مولفه های استخراج شده در مرحله کدگذاری محوری، کلیه مقوله ها ترکیب شدند. این مقوله ها در مرحله بعد برای ساخت شبکه مقولات و مفاهیم مورد استفاده قرار میگیرند. تصویر کلی مربوط به شبکه مقولات هر کدام از متغیرهای مقاله به شرح زیر می باشد:

شکل ۴-۱: شبکه مقولات و مفاهیم مربوط به مولفه‌های جرایم یقه سفید



نتیجه گیری

پژوهش حاضر، فراترکیب نقش جنسیت در ارتکاب جرایم یقه سفیدی در ایران و نروژ بر اساس پژوهش های منتشرشده درباره زمانی ۹۳۱ تا ۲۰۴۱ برای مقالات فارسی و ۲۰۱۲ تا ۲۲۰۲ برای مقالات انگلیسی بوده است. بر اساس روش فراترکیب برای هر یک از این پژوهش ها یک فرم استخراج داده تدوین شده است و یافته ها متناسب با سوال و هدف این پژوهش گردآوری شده اند. این یافته ها در سه مرحله کدگذاری باز و محوری و انتخابی، مفهوم سازی و مقوله بندی شده اند. هریک از مفاهیم استخراج شده معادل یک بعد از ابعاد علت ارتکاب جرایم یقه سفیدی است که در نهایت با استفاده از روش دلفی و با توجه به مولفه های به دست آمده از بخش فراترکیب (با کدگذاری تحلیل مضمون)، سوالات پرسشنامه در ۶ بُعد شامل: متغیرهای: ۱. بُعد فردی؛ ۲. بُعد اجتماعی؛ ۳. بُعد سازمانی؛ ۴. بُعد اقتصادی؛ ۵. بُعد سیاسی و ۶. بُعد قوانین و مقررات، طراحی و از اعضای پانل دلفی (پاسخگویان) خواسته شد نظرشان را درخصوص مولفه های مربوط به هر متغیر را در مورد دو گروه مردان و زنان بیان نمایند. درمجموع از یافته های پژوهش حاضر می توان به این نتیجه رسید که این پژوهش، با فراترکیب سازوکارهای موجود در پژوهش های قبلی، توانسته است یک نگاه ترکیبی و جامع در این زمینه ارائه دهد و از لحاظ بررسی جامع و ترکیبی مسئله نقش جنسیت، اولین پژوهش فراترکیب نقش جنسیت در ارتکاب جرایم یقه سفیدی در ایران و جهان است و به کارگیری این علت ها در پیشگیری و مبارزه با فساد ناشی از این جرایم می تواند راهنمای جامعی برای دستگاه های اداری و نظارتی در ایران باشد. این پژوهش، با بررسی پژوهش های مختلف، نقش مهمی در روشن کردن ابعاد مختلف پدیده جرم یقه سفیدی دارد زیرا پژوهش های انجام شده هر کدام از زاویه ای خاص به بررسی موضوع پرداخته اند.

- ۱- تقیپور، علیرضا (۲۹۳۱). مجرمین یقه سفید از دیدگاه جرم‌شناسی و نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه. ۱ (۳). ۵۵-۶۶.
- ۲- حسندوستفرخانی، هادی و یزدانپناه، لیلی (۲۹۳۱). بررسی نگرش به فساد اداری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی. راهبرد توسعه. ۴۳. ۴۱۱-۰۸.
- ۳- حسینی، سیدمحمد و قورچی‌بیگی، مجید (۴۹۳۱). تحلیل بزه‌دید‌هشناختی جرایم یقه سفیدها. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۳ (۰۱). ۹-۰۴.
- ۴- حسینی‌دره‌صوفی، سیدمحمد (۰۰۴۱). ویژگی‌های شخصیتی مجرمین یقه سفید. نشریه کارآگاه. ۴۱ (۴۵). ۲۷-۹۵.
- ۵- سپهوند، میلاد (۱۰۴۱). چرایی جرم‌انگاری در جرایم یقه سفید و راهکارهای پیشگیری از این جرایم از منظر جرم‌شناسی. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه. ۸ (۲). ۳۰۷-۲۹۶.
- ۶- شکران امیری، حسین؛ سیدعلی‌پور، سیدحامد و صابر، علی (۴۹۳۱). بررسی و تبیین ماهیت جرایم یقه سفید و مصادیق آن. هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران. تهران: ایران.
- ۷- غفاری، سولماز (۹۹۳۱). سیاست‌های جنایی ایران در جلوگیری از به وجود آمدن مجرمین یقه سفید. دوفصلنامه بین‌المللی تحقیقات علوم قضایی. ۱ (۲). ۹۲-۱۱.
- ۸- قورچی‌بیگی، مجید (۸۹۳۱). تحلیل کیفی از بزهکاری یقه سفیدها: فهم زمینه‌ها و انگیزه‌ها. مسائل اجتماعی ایران. ۰۱ (۱). ۷۱۲-۸۳۲.
- ۹- کمائی، مریم؛ ابوالحسنی، سلامه و فرهود، نغمه (۱۰۴۱). بررسی مثلث آسایش در مجرمان یقه سفید و یقه صورتی در حقوق نروژ و ایران. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌المللی. ۲۱ (۴). ۴۴۲-۱۲۲.
- ۱۰- کمائی، مریم؛ ابوالحسنی، سلامه و فرهود، نغمه (۱۰۴۱). زنان و مجرمین یقه سفید: مقایسه جرائم یقه صورتی و یقه سفید در حقوق ایران و نروژ. فصلنامه علمی آموزه‌های فقه و حقوق جزا. ۴ (۴). ۲۸-۰۷.

۱۱- محمدی، علی و همکاران (۲۹۳۱). مدل سازی تفسیری ساختاری ریسک های زنجیره تامین پروژه در شرکت های گاز استانی. فصلنامه چشم انداز مدیریت صنعتی. ۵ (۲۱). ۷۳-۹.

۱۲- موسوی مجاب، سیددربید (۲۹۳۱). بزه کاران یقه سفید. فصلنامه مدرس علوم انسانی. ۸ (۳). ۳۸-۱۶.

۱۳- میرخلیلی، سیدمحمود و خدادوست، بهنام (۶۹۳۱). تغییر از مجرمین یقه سفید به مجرمین یقه قرمز. جستارهای حقوق عمومی. ۱ (۳). ۶۵۱-۹۲۱.

۱۴- نقیب، بهاره السادات؛ امینی، محمد و درخشنده، منصور (۷۹۳۱). پیشگیری از جرائم یقه سفید با رویکرد آموزه های دینی. نشریه پژوهشهای سیاسی و بین المللی. ۹ (۷۳). ۷۱۳-۹۸۲.

۱۵- نصیری، مصطفی (۳۹۳۱). سازوکارهای کنترل جرایم یقه سفید: الگوهای کیفی و غیرکیفی. نشریه کارآگاه. ۷ (۸۲). ۴۲-۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- 16-Adler, F .(1975).Sisters in crime: The rise of the new female criminal. McGraw- Hill: USA
- 17-Akers, R.L. and Jensen, G.F. (2009). The empirical status of social learning theory of crime and deviance: the past, present, and future. In: Taking Stock: The Status of Criminological Theory (ed. F.T. Cullen, J.P. Wright and K.R. Blevins), 37– 76. New York: Routledge.
- 18-Benson, M.L. and and Simpson, S .(2009).White Collar Crime: An Opportunity Perspective, Routledge.
- 19-Benson, Michael L. & Gottschalk, Petter (2015). Gender and White-Collar Crime in Norway: An Empirical Study of Media Reports. International Journal of Law, Crime and Justice. 43 (4). 535-552.
- 20-Benson, M.L. and Harbinson, E .(2020).Gender and criminal thinking among individuals convicted of white-collar crimes, Criminal Justice Studies, 33 (1), 46-60.
- 21-Carlen P., Worall A.(1987).Gender, Crime and Justice, Bristol.
- 22-Chesney-Lind M., Eliason M., (2006) From invisible to incorrigible: The demonization of marginalized women and girls, „Crime Media Culture", Vol 2.

23-Daly, K. (1989). Gender and varieties of white-collar crime, *Criminology*, 27 (4), 769-794.

24-Dodge M., (2013). Where are all the women in white-collar crime?, [w:] *Routledge International Handbook of Crime and Gender Studies*, (red.) Renzetti C.M., Miller S.L., Gover A.R., London

25-Filstad, Cathrine & Gottschalk, Petter (2012). Characteristics of white-collar criminals: a Norwegian study. *Journal of Money Laundering Control*. 15 (2).175-187.

26-Gelsthorpe L., Morris A., (1998). Feminism and Criminology in Britain, „*The British Journal of Criminology*“, 28(2)

27-Gottschalk, P. and Glasø, L. (2013). Gender in white-collar crime: An empirical study of pink-collar criminals, *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 4, 22-34.

28-Gottschalk, Petter (2012). Gender and white-collar crime: only four percent female criminals. *Journal of Money Laundering Control*. 15 (3). 362-373.

29-Gottschalk, Petter (2013). Women's Justification of White-Collar Crime. *International Journal of Contemporary Business Studies*. 4 (1). 24-32.

30-Gottschalk, Petter & Smith, Robert (2013). Gender and white-collar crime: Examining the representation of women in the media? *Journal of Gender Studies*. 37-41.

- 31-Gottschalk, Petter (2018). Convenience triangle in white-collar crime: Case studies of relationships between motive, opportunity, and willingness. *International Journal of Law, Crime and Justice*. 55. 80-87.
- 32-Gottschalk, Petter (2019). Stage model for female criminals: business school students' perceptions of white-collar offenders. *Journal of Gender Studies*. 28 (6). 720-729.
- 33-Gottschalk, Petter (2017). Convenience in White-Collar Crime: Introducing a Core Concept. *Deviant Behavior*. 38 (5). 605-619.
- 34-Gottschalk, Petter (2020). Gender and Crime: Convenience for Pink-Collar Offenders. *Deviant Behavior*. 1-15. doi.org/10.1080/01639625.2020.1794270
- 35-Gottschalk, P. (2020). *Convenience Dynamics and White-Collar Crime*, Abingdon, UK: Routledge.
- 36-Islam M.J., Banarjee S., Khatun N.(2014).Theories of Female Criminality: A criminological analysis, „International Journal of Criminology and Sociological Theory"7(1).
- 37-Jillian, D. F. and Jennifer R..(2009).Convenience: a services perspective.*Marketing theory* 9(4), 425-438
- 38-Lahm K.E, (2010) [hasto:] Simon J. Women and Crime, [w:] *Encyclopedia of Criminological Theory*, (red.) Cullen FT., Wilcox P., Vol. 1, Sage Publications.

- 39-Newburn T.(2017).Crimnology, Third edition, Routledge.
- 40-Severson, R.E., Kodatt, Z.H. and Burruss, G.W. (2019). Explaining White-Collar Crime. In The Handbook of White-Collar Crime, M.L. Rorie (Ed.).
- 41-Steffensmeier, D., Schwartz, J. and Roche, M. (2013). Gender and twenty-first-century corporate crime: Female involvement and the gender gap in Enron-era corporate frauds, American Sociological Review, 78 (3), 448-476.
- 42-Sutherland, E.H. (1937). The Professional Thief. Chicago, IL: University of Chicago Press.

